

**مسار و فاعل**



معتمدان خوانند و واصلان این کروهاندک باشند قسم پنجم  
 لاهه مایدان حضرت محمدیت است که در فضا بکاره اساحت را فی  
 با جذب جذبات غنایت حضرت لایزان طیران میکنند وصول  
 این قوم در دنیا است امیر بهش از دیگران است در زیارت کار و این  
 لاهه که اشرف طبق است مبنی است بر مؤت ارادی جناتک رسول  
 صاحب الله علیه السلام فرمود موتو اقبال آن مخونها و خلورا اثاب این  
 سعادت موسیں برده فاعل است قاعده اول توبه است  
 و حقیقت توبه باز کشتن بود بحضرت خداوندی با خستار جناتک  
 مرک باز کشتن است حضرت حقیقی اختیار بس توبه بیرون آمدند  
 بود آنکه و هج بزیع با از حق بازدار آزمایست دنیا و عقبی این  
 عین کنایه و برتاطه و اجر است از همیرون آمدن تازه شد  
 که کلمه فخر خواهی سر برز ، ارجوود و جما همان یک سر برز  
 جان این جیست در چون آمدن ، وزوج و خویش بیرون آمدند  
 این کلمه سر زان است ای پسر ، کی دهنست تاتوی نازی بس  
 قاعده دوم زهرست و حقیقت زهد بیرون آمدن بودان  
 ضیا و آرزوها که بتعلق دارد از مال و حاوه و ناموس باختیار  
 جناتک بمرک از هم بیرون خواهد آمد بلکه حقیقت زهد آنست که

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** وعلیکم السلام  
 حد و نیکات نامتناهی پروردگاری را که تبحیث تواعد آسلام را میگاهید  
 طالبان محداد ملکوتی کرد ایند و انتاد ترکیه نتوسل را میگردید  
 مالکان در جهات جریانی کرد ایند و اعتضاد جذبات غنایت  
 دنبایی راجحت طایران فضایم ساخت لاهوتی کرد ایند و صلوای  
 بسیار و در رودخانی شکار بخلاصه و زندگی عالم و همه وله اول است  
 آدم سید اصفیاء محب مصطفی و بر اهل بیت او که همان دین و  
 پیشوایان اهل بیت اند **اما بعده** بدان ای عنین که راه هم  
 طالبان حق جنات با کاه احادیث بیشتر از اشت که اینها صدر  
 تعان کرد که الطلاق الى الله بعد اتفاق اس المخلاف امام حکمی آن  
 راه همها بسه قسم بان کردد **قسم اول** راه ارباب عامل است و آن  
 ببسیاری کماز است و روز و متلاوت قرآن و حج و غزا وغیری کی  
 از اعمال ظاهر و این راه عامه مسلمانان است و موجب بخات این ای  
 از عذاب ابری و لیکن وصول حقیقت از که رای نوع عباد است مقدار  
 است **قسم دوم** راه ایم سیاهد است بتبدل اخلاق و تزکیه  
 نفس و تصفیه دل و تجلیه روح و سواد ران ج تعلق بختار سلطان  
 دارد همان راه ابراست و این قوم نیکان امت اند و این طایفه لا

**قاعده بیخ** عزلت است و معنی عزلت بیرون آمدن بود از امیرش  
 خاک و خود را بر کمانه داشتن از محبت جنایک بزرگ نماید  
 جدا خواهد شد کشت میخان این و او اقطع اخنادی مالوئی  
 بود ممکن محبت شیخی کامل کمرنی وی بود و متصرف در روی چون  
 نرفت پاک شوی و مرد تانفس مید را باب ولایت آذیابت  
 بیکاران بشوید و آینه دل ویرا از نکار غیریت پاک کردند و اصل  
 عزلت معدن و کدن چواش را تخلیق بیع باز داشتند حتماً  
 از دیدن و کوشش را از شنیدن وزیارت از گفتن زپرا که رفیقی  
 و بلایی که بروج رسید است و هر جایی که ویدا از حضرت محمد است  
 محظوظ کند. هست اصل آن مه از زونه حکم آش در امان است  
 بس بواسطه عزلت و باز داشتن حواس مدد نفان دنیا  
 و نزیحان و معاونت هو او از دهاجرسی منقطع می شود و تهمائل  
 طبیب و رعایا و بیمار اول پر چینی فرماید از انجی بخار رانیان  
 می دارد و در عزلت وی افزایید تا بوساسه پرهیز و تغییر ملکه  
 مواد فاسک از بیمار منقطع می شود بس دلایل وی سرمهی و دهد  
 تا اصل منع دفعه می شود و بعد از زوال منع حرارت غیرینی توپتی هم کرد  
 و چند صحت پکند محین پرهیز و تنقیه سالکان عزلت است

وصهل دوام ذکر

از طلبه رجات باقی عقیق بکدر و جنایک از طلب لذت فانی دنیا  
 کل شنیده است که **الدین** حرام عا اهل لآخره و آخر حرام عا اهل  
 الدین و حما حرام عا اهل ائمہ رسول ﷺ علیهم السلام فرماید که دنیا  
 حرام است بر اهل آخرت و آخرت حرام است بر اهل دنیا و دنیا و آخرت است  
 بر اهل الله، چون مرلذت که در مردم جهان هست، ترا در حضرت او پیش  
 حرا بس ترک و وجاه می نکری، **حمد** مشتقان فی آن می نکری  
 هن انکو در بنیان ده و عالم، **کلد** در در جمع خاص حرم **قاعده بیخ**  
 تو محل است و حقیقت توکل بیون آمدن بود از روت و سایط  
 و اسباب بیکار اخنادی جنایک بزرگ از بحده نعلقات و اسباب خود و  
 خواهد کرد با ضطرار اما خروج که بایختیار شنیده بعد با عقر کرم  
 موجب رضا آخذنا و نداشت و خروج خروی که بعد از مرد ک باشد معتبر  
 عذر و سخط و خشم بود و نعوذ بالله منه **قاعده جهان** قناعت است  
 واصل قناعت بیرون آمدن بود از لبای پی آرزوها رنسانی و متعاقات  
 بهیچ جنایک بزرگ از نهم آزاده اخراج احمد شد مکران مقدار که قوم  
 اهل حیوه بدادرست از مکول و ملبوس و رعایت حدا اعتدال دران  
 کرت زنانی و خلقانی بود، هر سرمهی تو سلطانی بود  
 ا آجت انجا اصیا حاجت نهان، و آنجا انجا باید درمان بکن



بـشـواهـدـ حـوـ جـالـ باـكـالـ حـوـ لـاجـلـ دـهـدـزـ مـيـنـ بـلـ بـعـورـ هـدـاـيـتـ آـنـ  
 مـنـوـزـ شـوـدـ وـسـرـيـمـ تـبـلـ لـارـضـ مـشـاـصـهـ اـفـتـدـ وـرـ وـمـوـجـودـ  
 مـوـهـومـ ذـاكـرـ دـرـ اـقـابـ وـجـوـدـ مـذـكـورـ مـتـلـاسـيـ كـرـدـ وـعـيـارـ دـارـبـارـ  
 وـجـوـدـ ذـاكـرـ وـذـكـرـ مـنـزـمـ شـوـدـ وـجـالـ مـنـكـوـهـ دـرـ عـيـنـ ذـاكـرـ وـوـيـ  
 خـاـيـدـ وـانـرـتـ وـوـعـكـمـ آـيـاـكـتـمـ مـحـقـ كـرـدـ فـاـذـ اـبـصـرـ تـاـنـرـ  
 وـاـذـ اـبـصـرـ اـبـصـرـ تـاـنـاـ، تـاـكـاـ بـاـنـدـيـاـلـغـيـرـ وـجـابـ، ذـكـرـ وـعـلـیـ بـلـانـدـاـنـوـخـارـ  
 تـابـوـدـ يـكـ ذـرـهـ اـزـهـسـتـ جـاـيـ، كـفـرـ بـاـنـدـكـرـنـهـ عـشـقـيـاـيـ  
 كـرـمـ عـالـمـ تـوـابـ تـوـ بـوـخـ، تـاـتـوـ باـشـ آـنـ عـذـابـ تـوـبـوـ  
 كـرـشـوـيـ جـوـنـ خـاـلـ دـرـ رـاـيـاـهـاـرـ، تـاـبـدـ جـاـنـاـ بـدـسـتـ آـرـيـ كـاـلـ  
 تـاـنـوـ باـخـوـلـيـشـ عـدـلـيـ مـهـ، جـوـنـ سـفـوـيـ فـاـنـ اـحـدـيـنـ مـهـ  
**فـاـعـلـهـ هـقـمـ** تـوـجـ اـسـتـ وـيـعـ تـوـجـ روـآـ وـرـوـنـ بـوـجـهـ  
 صـدـيـتـ بـهـمـيـ خـوـدـ وـبـهـوـنـ آـمـدـ اـرـجـمـهـ دـوـاعـيـ كـمـ سـاـكـنـ رـاـبـغـيـ  
 حـقـ خـاـنـدـ بـاـخـتـيـارـ جـنـاـلـ بـرـكـ عـلـوـهـ مـتـ سـاـكـنـ آـنـ اـقـصـاـ  
 كـنـدـ كـمـ بـلـوـشـ نـظـرـ لـمـطـلـوـ وـمـبـوـغـيـ حـقـ الـنـفـاتـ نـكـنـدـ  
 وـاـكـنـدـ وـقـعـاـمـاـتـ مـهـ بـيـخـاـمـيـانـ بـرـوـيـ عـرـضـ كـنـدـ ظـرـ بـلـانـ جـمـلـهـ  
 نـيـكـنـدـ وـأـرـحـ بـلـانـ مـشـغـولـ شـوـدـ سـيـدـ طـاـيـهـ جـنـيدـ قـدـ كـلـ آـنـ  
 مـيـ فـرـمـاـيـدـ كـمـ لـوـاقـبـ حـدـقـ عـلـ اللـهـ تـالـيـ الـفـسـنـةـ ثـمـ  
 اـعـضـ عـنـهـ لـحـظـةـ فـاـفـاـتـ الـزـمـانـاـلـ فـرـمـودـ كـمـ اـكـسـالـ حـادـقـ  
 هـنـارـهـ زـارـ سـالـ حـرـلـهـ حـقـ قـدـمـ زـنـدـ بـسـ يـكـ لـحـظـ اـنـ حـضـتـ

نـخـجـورـدـ رـوـزـ وـشـبـعـ دـبـلـ، تـابـدـ زـارـيـ دـرـمـ كـرـدـ باـزـ  
 تـوـدـنـ رـوـدـ دـهـانـ دـجـونـ دـكـ، وـنـخـنـقـيـ پـاـيـهـ بـرـ سـجـونـ لـكـ  
 تـاـنـيـاـيـدـ دـرـ دـاـنـ کـارـتـ پـدـيـدـ، قـصـهـ آـنـ دـرـ نـتوـايـ شـنـيدـ  
 كـرـشـوـدـ اـپـنـ دـرـ دـامـنـ کـيرـ توـ، بـدـکـشـ يـدـ کـسـبـرـ زـنجـيـرـ توـ  
 وـرـنـکـرـدـ دـامـنـ اـپـنـ دـرـ دـرـ دـوـ، كـفتـ وـکـوـئـ مـنـ نـداـرـهـجـوـدـ  
**قـاعـدـ شـمـ** وـکـرـسـتـ وـيـعـ وـکـرـيـوـنـ آـمـدـ بـوـازـيـادـ هـجـيـهـ  
 حـقـ آـتـ باـخـتـيـارـ جـنـانـ اـزـيـادـ مـعـ خـرـوـ حـوـاـهـدـ كـرـدـ بـرـكـ خـروـيـ  
 وـحـقـ جـلـ قـعـلـمـ فـرـمـاـيـدـ، وـاـوـرـنـرـ بـلـ اـذاـ شـيـنـ، بـيـنـادـكـنـ  
 پـرـوـرـدـ كـرـخـوـ رـاجـوـنـ فـرـامـوـشـ لـكـيـ غـيـرـاـ وـرـاـذـ كـمـ جـوـيـ مـعـنـوـيـتـ  
 مـرـكـبـ اـرـبـعـ وـاـنـهـتـ تـابـنـيـ كـمـ آـلـمـ اـسـتـ موـادـ فـاـسـكـ كـمـ مـقـوـيـ  
 نـفـسـ آـمـارـ وـمـنـقـيـ صـفـاتـ وـيـ اـزـنـمـوـاـتـ حـيـوانـيـ وـاـخـلـاقـ فـرـمـيـهـ  
 نـفـسـ اـنـجـونـ بـلـ وـحـقـ وـنـجـلـ وـحـدـ وـجـ وـحـرـ وـرسـ وـيـارـ اـنـزـ كـرـ  
 هـرـيـكـ اـنـاـنـ مـقـاتـ بـنـدـ اـذـبـنـدـهـ اـرـوـحـ وـوـجـارـيـ دـلـ اـسـتـ اـنـخـوـدـ  
 مـىـ اـقـلـنـدـ وـهـوـاـرـ فـصـاـيـ مـيـدانـ دـلـ لـكـهـ مـعـ بـارـکـاهـ کـرـيـاـ وـمـظـلـهـ آـفـانـ  
 فـرـاـيـتـ اـتـ اـنـبـارـ حـدـوـتـ وـظـلـيـتـ تـكـرـتـ پـاـلـمـ كـوـدـ اـنـدـ وـيـانـ  
 إـلـ اللـهـ تـحـيلـ حـصـتـ دـلـ وـسـلـمـتـ وـيـ اـزـرـ دـاـلـ اـخـلـاقـ وـكـبـ تـلـكـ  
 بـيـحـ طـيـهـ مـيـ كـنـدـ وـبـسـطـوـاتـ فـلـمـوـرـ بـوـرـ وـحـدـ تـلـلـيـتـ تـكـرـ حـدـوـتـ  
 مـنـزـمـ مـيـگـدـ دـتـاـيـاـ دـشـاهـ رـوـحـ كـهـ خـلـيـفـهـ حـقـ اـتـ بـرـ سـيـرـاـپـاـ

قدم دینه از آنار کی تکننا بحوث رسیده ذکر فضل الله پویه من نشانه الله  
د والفضل العظيم، هر کار او با حمد خود بجز است، یکدم از نسلک و عالم خوش برآت  
با خداي خوبين دایم و حضور، جمل شود در این با آن شعر  
کر تو خواه من تیشوی از اهله از، تا ابد من کند بسوی صحیح باز  
نائل کر جای نظر خواه من فکند، در کنار خوبی شرخوانی  
هر کجا آئینه باشد یاد شاه، سفراشد کر کند و خود کاه  
کر کاه او شوی شاهست کند، و زنده آکاه آکاه هشت کند  
**قاعده دهم** رضاست و حقیقت رضا بیرون آمدن بودان

رضا نمود، بدخل رضا، حبوب جناتک بدلیع اسلام خفت از  
صفت خود و ظاهرش دن بصفت خواست محبوس و این مقام اعظم  
مقامات سالکه ازت زیرا که هر طلوعی که از بس پرده طلب  
حاصل نمود لایق حق حوصل، طالب بامدو و مسالک مبتدي د رفع مسکن  
و حقار است بس هوجه د طور خود خواهد عقیب بود و موجو از  
از میان برداره و کار عظیم با عظیم کذار و عطا نامتناهی  
اید و اعطای مالا عین زاده و لاده شمعت جن جنایه باراناید  
اومن کان میتا فا حیینه و جعلنا له نورا لخشته به ف لا رضی مکن  
بنزل فی الطیارات لیس تجایر هنها می فرماید که هر که بعید  
از ظلیت او مافی نفای و حقارت متفاوت حیوانی زنده

عافل باند آن مقدار سعادت که در آن لحظه ازوی فوت من و بیشتر ازان  
بعد که در آن هزار هزار سال حاصل کرد و بود **قاعده هشتم**  
صبرت و حقیقت ضمیر و من بود از خطوط نسخه ای و جبل  
کردن نفس در بحثت عبایات و ثبوت قدم برباط اجاهدات  
جنایک بدل زیرا که اگر سالک نفس آمان را در بونه و مجاہله تزکیه  
حاصل نکند بخروفت بعد از مرگ در بونه و دونه اوان عذاب  
تحل باید کرد بس هر آینه تحمل ببحثت عبادات و صبر و انقطع  
نفس از مالویات و محبوسات که موجب تصفیه قلب و ترقیه روح  
است اوی از صبر برعزاده جلو دان **قاعده نهم** مراقبه است  
ومراقبه جسم داشتن بود بمحول طلو و حقیقت مراقبه بروی  
آمدن بود از حکایت و قیق تحدب باختیار جناتک هر که وارا کر قن  
بعد از تصفیه دل و ترکیه نفس در رانتظار انتقال ابوابا هر  
حضرت آنی و فکین داشتن بدر لک در زیرمیرا بیان فخری بالطاف  
نمانتهای در میدان موقدت قدم محبت بر سرمه را داد زده بمحر  
احدیت غوطه خورده بروانه و بوج و خود برش جلال احادیت  
زده باند ادا و منازل قطع کرده کلیم او بار جبار اندخته از خود  
بدپور رخاسته با طایا جاهدات طی کرده دل مرده و رابو ایشادها  
حی کرده مسیات نفس بحسنات رفع مبدل کشته ازوی دو  
در کن عخته در چلچله عصمت او و اخنثه انوار آفتاب صحابی

کردانم ویراچیعه جلالت او صاف ربانی مخصوص کردانم او  
 را بنوری آن افوار سرا دقات جن سقدوس تا بد ان جناح  
 نور و حیو طیران می کند در فضار محواء لاهوتی و خرثید  
 فراسه او از مطلع مملوکت بر مقابله و اجداد مر و کان مقبره  
 غفلت و بهالت من تبا بدو هر کس را درین اندان اخواع سلاسل اعلال  
 هموم تصاریف امور حقیقی معاصر می کند و بالوان عذای عقایر  
 و حیات حرص و حسد مسلماً بیند جکو نیز اباب بود بلکه کورد  
 تاد ریکی پیاپان غفلت کم کشته بود و چون آب در شجن آنانی  
 خشک شفتة و بد شاخ اخلاص لطافت منکوفه ایمان ندیده و  
 از لذت حلاوت میمیع حکمت و ولایت محروم مانع جهنمه  
 و ایامک من سعد بظاهره و فاید محبتته آه قرب بمحیط والحمد

وصن واللهم اعن انت اشی المذی عفت

الدرار الشففه المدار که المیمه

عایدی حوشیک الله الجانی

۲۳

احمد محب و حموده

غ او اخیر همای

سراوی سیده

وارعیز

وعاقبه

۳





